

## مصادیق آیات نه‌گانه (تِسْعَ آيَات) حضرت موسی علیه السلام از منظر مفسران

\* حسین نقوی

\*\* اسماعیل سلطانی بیرامی

### چکیده

در دو آیه از آیات قرآن کریم تعبیر «تسع آیات» به حضرت موسی علیه السلام نسبت داده شده است. برخی از مفسران، مصادیق آنها را احکام و قوانین می‌دانند اما بیشتر مفسران مصادیق آنها را معجزات آن حضرت دانسته‌اند ولی در معرفی مصادیق آنها اختلاف کرده‌اند. برخی دیدگاه تفصیل میان سوره نمل و سوره اسراء را اختیار کرده‌اند. آنان که مصادیق آنها را معجزات می‌دانند دو دسته هستند؛ یکی مطالب غیر قرآنی را در شمارش دخیل کرده‌اند مانند اینکه برخی در این امر، مبنا را دیدگاه تورات قرار داده‌اند. گروه دیگر فقط از آیات قرآن استفاده کرده‌اند. برخی از این گروه با توجه به پنج معجزه مذکور در آیه ۱۳۳ سوره اعراف در چهار معجزه باقی‌مانده اختلاف کردند ولی غالب مفسران با افزودن دو معجزه عصا و ید بیضاء به این پنج معجزه، اختلاف را بر سر دو مصداق باقی‌مانده برده‌اند. این نوشتار با روش توصیفی - تحلیلی و با بررسی دیدگاه‌های مختلف با تقریری نو در ارائه ملاک جامع این مصادیق، بر این باور است که این دو مصداق، قحطی و شکافته شدن دریا است.

### واژگان کلیدی

معجزات نه‌گانه، قصص حضرت موسی علیه السلام، قحطی، شکافته شدن دریا.

### طرح مسئله

با بررسی آیات قرآن کریم مشاهده می‌شود که معجزات و امور خارق‌العاده مرتبط با حضرت موسی علیه السلام بیش از نه معجزه است؛ اما در دو آیه «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ»<sup>۱</sup> و «أَدْخِلْ يُدْكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ»<sup>۲</sup> تنها به نه معجزه از معجزات آن حضرت اشاره شده است. در اینکه مراد قرآن کریم از این نه معجزه دقیقاً چه معجزاتی بوده، میان مفسران اختلاف دیدگاه وجود دارد.

مفسران چند دسته شده‌اند؛ برخی از مفسران فقط به ذکر دیدگاه‌ها بسنده کرده و خود دیدگاهی اختیار نکرده‌اند.<sup>۳</sup> لازم به ذکر است که این‌گونه نبوده است که این مفسران همه دیدگاه‌ها را برشمرده باشند بلکه برخی فقط به چند دیدگاه و برخی نیز تلاش کرده‌اند که همه دیدگاه‌ها را به تفصیل ذکر کنند.

البته برخی از این مفسران در ذیل یکی از این دو آیه دیدگاهی اختیار نکرده‌اند ولی در ذیل آیه دیگر دیدگاه برگزیده دارند و برخی نیز مطالب دیگری بیان کرده‌اند، مانند: بیان ملاک یا نقد برخی دیدگاه‌ها که در ادامه به تفسیر آنان اشاره می‌شود. عبدالحسین طیب با بیان اینکه آیاتی که قبل از بعثت موسی بود و آیاتی که بعد از هلاکت فرعونیان بود، مربوط به این نه معجزه نیست، به این دلیل که آیه می‌فرماید: «إِلَى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ»؛ نه معجزه را این‌گونه معرفی می‌کند: عصا، ید بیضاء، طوفان، ملخ، شپش، قورباغه، خون، هشتم اجابت دعای موسی و هارون درباره طمس (از بین رفتن) اموال فرعونیان و نهم شکافته شدن دریا، ولی در پایان بیان می‌کند که ممکن است معجزه نهم بلعیده شدن جادوی جادوگران فرعون توسط عصا باشد. این مطالب نشان‌دهنده این است که نویسنده به دیدگاهی برگزیده

۱. اسراء / ۱۰۱.

۲. نمل / ۱۲.

۳. ابن‌ابی‌حاتم، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۹، ص ۲۸۵۲ - ۲۸۵۱؛ ابن‌جزی، *التسهیل لعلوم التنزیل*، ج ۱، ص ۴۵۶ - ۴۵۵؛ کاشانی، *منهج الصادقین فی إلزام المخالفین*، ج ۵، ص ۳۰۹؛ همو، *زبدۃ التفاسیر*، ج ۴، ص ۷۶ - ۷۵؛ شوکانی، *فتح القدر*، ج ۴، ص ۱۴۸؛ طبرانی، *التفسیر الکبیر*، ج ۴، ص ۱۴۲؛ طبرسی، *جوامع الجامع*، ج ۲، ص ۳۴۸؛ خازن، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، ج ۳، ص ۱۴۹ - ۱۴۸؛ سیواسی، *عیون التفاسیر*، ج ۳، ص ۳۵؛ ابوالسعود، *ارشاد العقل السلیم الی مزایا القرآن الکریم*، ج ۵، ص ۱۹۸؛ زمخشری، *الکشاف*، ج ۲، ص ۶۹۷؛ طبرسی، *معجم البیان*، ج ۶، ص ۶۸۵؛ قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۲، ص ۳۰؛ ج ۱۰، ص ۳۳۶ - ۳۳۵؛ بغوی، *تفسیر البغوی*، ج ۳، ص ۱۶۵؛ نسفی، *مدارک التنزیل و حقایق التأویل*، ج ۲، ص ۴۷۶؛ رسعی، *رموز الكنوز فی تفسیر کتاب العزیز*، ج ۴، ص ۲۲۶؛ ابن‌عبدالسلام، *تفسیر العزیز*، *عبد السلام*، ج ۱، ص ۳۶۱ - ۳۶۲؛ ثعلبی، *الکشف و البیان*، ج ۶، ص ۱۳۷؛ ماوردی، *النکت و العیون تفسیر الماوردی*، ج ۳، ص ۲۷۷؛ مکی بن حموش، *الهدایة الی بلوغ النهایة*، ج ۶، ص ۴۳۰۱ - ۴۲۹۹؛ ابوالفتح رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱۲، ص ۲۹۵؛ ابوحیان، *البحر المحیط فی التفسیر*، ج ۷، ص ۱۱۹؛ سیوطی، *الدر المثور*، ج ۴، ص ۲۰۵؛ بیضاوی، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج ۳، ص ۲۶۸؛ طوسی، *التبیان*، ج ۶، ص ۵۲۷؛ ج ۸، ص ۸۰ - ۸۱.

نرسیده است.<sup>۱</sup> وی در ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء بیان می‌کند که مفسران در این نه آیه اختلاف کردند و بر ادعای خود مدرکی اقامه نکردند و اخبار هم فی‌الجمله اختلاف دارد و تفسیر به‌رأی هم باطل است. آنچه به نظر می‌رسد این است که معجزات حضرت موسی علیه السلام بیش از ۹ معجزه بوده و از آیه هم انحصار استفاده نمی‌شود و از آیه سوره نمل هم استفاده می‌شود که معجزاتی که بعد از هلاکت فرعون و قوم او صادر شده، از اینها خارج است و در ادامه با توجه به ملاک مذکور نه معجزه را عصا، ید بیضاء، طوفان، ملخ، شپش، قورباغه، خون، قحطی و کمبود محصولات می‌داند،<sup>۲</sup> اما همین نویسنده در ذیل آیه ۱۲ سوره نمل بدون هیچ تردیدی همین قول را تثبیت می‌کند که در ادامه بیان خواهد شد. طبری نیز در تفسیر خود در ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء دیدگاه‌های مختلف را نقل می‌کند،<sup>۳</sup> اما در ذیل آیه ۱۲ سوره نمل دیدگاه خود را به وضوح بیان می‌کند که ذکر آن خواهد آمد.

آلوسی نیز ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء بیان کرده است همه دیدگاه‌ها حتی دیدگاه مطابق تورات موجود را برشمرده است. در پایان بیان کرده است که مؤیدات هر کدام از دیدگاه‌ها متعارض هستند.<sup>۴</sup> از نحوه بیان آلوسی چنین برمی‌آید که دیدگاهی را اختیار نکرده است. وی در ذیل آیه ۱۲ سوره نمل نیز به ذکر اقوال پرداخته و دیدگاهی را اختیار نکرده است.<sup>۵</sup> نظام اعرج نیشابوری بدون اختیار دیدگاه خاصی دیدگاه‌های مختلف را بیان کرده است با این تفاوت که دیدگاه فخر رازی را که معجزات نه‌گانه را احکام و قوانین می‌داند، نقد کرده و بیان می‌کند که بعید است که احکام، معجزه تلقی شود.<sup>۶</sup>

ولی گروهی از مفسران به بیان مصادیق آیات پرداخته و دیدگاهی را ترجیح داده‌اند که ما در صدد داوری میان این گروه هستیم. غالب مفسران عصا و ید بیضاء را جزو این نه معجزه می‌دانند اما برخی به صورت احتمال یا به صورت دیدگاه، بیان کرده‌اند که این دو، جزو نه معجزه نیستند و تعداد این معجزات را به ده یا یازده رسانده‌اند. قرطبی بیان کرده است که «فی» در «فی تسع آیات» به معنای «مع» است. از آنجاکه در آیه مذکور ید بیضاء در کنار «تسع آیات» آمده است، بنابراین معجزات ده‌گانه است.<sup>۷</sup> برخی از مفسران به‌عنوان یک احتمال بیان می‌کنند که «فی» در آیه مذکور به معنای «مع» است و معجزات،

۱. طیب، *اطیب البیان*، ج ۱۰، ص ۱۱۶ - ۱۱۵.

۲. همان، ج ۸، ص ۳۱۵ - ۳۱۴.

۳. طبری، *جامع البیان*، ج ۱۵، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

۴. آلوسی، *روح المعانی*، ج ۸، ص ۱۷۳ - ۱۷۲.

۵. همان، ج ۱۰، ص ۱۶۳.

۶. نظام الاعرج، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، ج ۴، ص ۳۹۵ - ۳۹۴.

۷. قرطبی، *الجامع لأحكام القرآن*، ج ۱۳، ص ۱۶۳.

یازده‌گانه است؛ ید بیضاء و عصا دو معجزه و نه معجزه دیگر عبارتند از: شکافته شدن دریا، طوفان، ملخ، شپش، قورباغه، تبدیل شدن آبها به خون، طمس، قحطی و کم شدن محصولات کشاورزی.<sup>۱</sup>

از این تفاسیر که بگذریم غالب مفسران بر این باورند که حضرت موسی علیه السلام دارای آیات نه‌گانه‌ای بوده است، ولی در برشماری مصادیق آن اختلاف کرده‌اند؛ برخی از این مفسران مصادیق آنها را بر پایه مضمون روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، احکام و قوانین معرفی می‌کنند، اما بیشتر مفسران مصادیق آنها را معجزات موسی علیه السلام می‌دانند. برخی نیز دیدگاه تفصیل میان سوره نمل و سوره اسراء را اختیار کرده‌اند. آنان که مصادیق آنها را معجزات می‌دانند دو دسته هستند؛ برخی در برشماری مصادیق، مطالب غیر قرآنی را نیز دخیل کرده‌اند، مانند اینکه برخی در شمارش این معجزات نه‌گانه، مبنا را دیدگاه تورات قرار داده‌اند. گروه دیگر در برشماری مصادیق فقط از آیات قرآن کریم استفاده کرده‌اند. از این گروه نیز برخی با توجه به پنج معجزه مذکور در آیه ۱۳۳ سوره اعراف که طوفان، ملخ، شپش، قورباغه و تبدیل شدن آبها به خون است بر این باورند که در چهار معجزه باقی‌مانده اختلاف وجود دارد، ولی بیشتر مفسران با افزودن دو معجزه عصا و ید بیضاء به این پنج معجزه اختلاف را بر سر دو مصداق باقی‌مانده برده‌اند که در ادامه با روش توصیفی - تحلیلی دیدگاه آنان بررسی و پس از تحلیل آیات مربوط به بحث، دیدگاه برگزیده بیان خواهد شد.

### پیشینه پژوهش

در مقدمه بیان شد که مفسران در کتب تفسیری خود درباره مصادیق معجزات نه‌گانه حضرت موسی علیه السلام بحث کرده‌اند. دیدگاه‌های مختلف مفسران در این نوشتار نشان داده شده است. تمایز این نوشتار با بحث مفسران در این است که در این پژوهش، مفهوم‌شناسی، نقد و بررسی دیدگاه‌ها و ارائه ملاک به صورت تحلیلی انجام شده است و بر این اساس مصادیق معجزات مشخص شده است. از آنجاکه هیچ نوشتاری در قالب مقاله، کتاب یا پایان‌نامه به صورت تحلیلی این بحث را مطرح نکرده است، این نوشتار درصدد پرداختن به این بحث است.

### مفهوم‌شناسی

#### ۱. معجزه

در کتاب *مقاییس اللغة* ذیل ماده «عجز» چنین آمده است که این ماده دو ریشه «عَجَزَ» و «عَجُزَ» دارد

۱. رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۲۴، ص ۵۴۶؛ بیضاوی، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، ج ۴، ص ۱۵۶؛ قمی مشهدی، *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*، ج ۹، ص ۵۳۶ - ۵۳۵؛ کاشانی، *منهج الصادقین*، ج ۶، ص ۴۷۰؛ همو، *زبدة التفاسیر*، ج ۵، ص ۷۷.

که اولی بر ضعف و دومی بر انتهای هر چیزی دلالت دارد. درباره ریشه نخست [هنگامی که به باب افعال برده می‌شود] اینکه گفته می‌شود: «أعجزني فلان» یعنی عاجز شدم از رسیدن به او و اینکه گفته می‌شود: «ولن يُعجز الله تعالى شيء» یعنی خدای متعال را هیچ چیزی نمی‌تواند عاجز و ناتوان کند.<sup>۱</sup> بنابراین «معجزه» نیز اسم فاعل از همین باب و به معنای «امر ناتوان کننده» است. معجزات پیامبران را از آن رو به این نام خوانده‌اند که دیگران از معارضه با آن ناتوان‌اند.<sup>۲</sup> از لحاظ اصطلاحی برای معجزه تعاریف متعدد و متفاوتی بیان کرده‌اند؛ اما تعریفی که به نظر کامل می‌آید، این است: «معجزه کاری خارق العاده است که با عنایت ویژه خداوند، به دست مدعی نبوت، برای اثبات صدق مدعی خویش انجام می‌گیرد و همراه با تحدی و مطابق با مدعی مدعی نبوت است».<sup>۳</sup> واژه معجزه و مشتقات آن، به معنای اصطلاحی‌اش در قرآن کریم نیامده است. تنها در چند آیه برخی مشتقات ماده «عجز»، از جمله واژه «معجز»، در معنای لغوی به کار رفته است. قرآن کریم معجزات پیامبران را با واژگان «آیه» (در جمع: آیات)، «بینه» (در جمع: بینات)، «برهان» و «سلطان» خوانده است که برخلاف کلمه معجزه، معرفت بخش هستند. توجه به آیاتی که این کلمات در آنها به کار رفته و مسائل پیرامون آنها، نشان می‌دهد که مراد از این واژگان در برخی آیات قرآن کریم معجزات پیامبران است.<sup>۴</sup>

## ۲. آیه

آیه از نظر لغوی به معنای نشان، علامت و عجائب است.<sup>۵</sup> قرآن کریم واژه «آیه» را معمولاً در معنای لغوی آن؛ یعنی علامت و نشانه، به کار می‌برد و تمام پدیده‌ها را آیات الهی معرفی می‌کند؛ زیرا تأمل در آنها انسان را به خدای متعال و صفات او، مانند: علم، قدرت، حکمت و عظمت، متوجه می‌سازد. همه مخلوقات جلوه‌هایی از خداوندند و کسانی که بینایی کافی و بصیرت باطنی داشته باشند، در ورای این تجلی‌ها صاحب جلوه را مشاهده می‌کنند.<sup>۶</sup> آیه در قرآن کریم کاربردهای مختلفی دارد که همگی با معنای لغوی آن متناسب هستند. از جمله به معنای آیات قرآن، مانند: «تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ»<sup>۷</sup> به معنای

۱. ابن فارس، *مقاییس اللغة*، ج ۴، ص ۲۳۲.

۲. مصباح یزدی، *راه و راهنماشناسی*، ص ۱۷۰.

۳. همان.

۴. همان، ص ۱۷۲.

۵. ابن منظور، *لسان العرب*، ج ۱۴، ص ۶۳؛ طریحی، *مجمع البحرین*، ج ۱، ص ۳۹.

۶. مصباح یزدی، *راه و راهنماشناسی*، ص ۱۷۳ - ۱۷۲.

۷. بقره / ۲۵۲؛ آل عمران / ۱۰۸؛ جاثیه / ۶.

معجزه، مانند: «هَذِهِ نَاقَةٌ لِلَّهِ لَكُمْ آيَةٌ»<sup>۱</sup> به معنای پند و عبرت، مانند: «فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِيَدِنَا لِنَتَّكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ آيَةٌ»<sup>۲</sup> به معنای دلیل و نشانه خداشناسی و یا معاد و آثار و علائم طبیعی، مانند: «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتٍ»<sup>۳</sup>. اینکه در ذیل آیات فراوانی آمده است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً» یا «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ» و امثال آنها نشان از این دارد که این موارد از موجودات جهان گرفته تا همسر و لباس انسان آیه هستند؛ به معنای اشیاء چشمگیر، مانند: بناهای مرتفع و عالی نظیر: «أَتَبْتُونَهُ كُلَّ رِيحٍ آيَةً تَعْبُوتُونَ»<sup>۴</sup>؛ به معنای احکام و قوانین نیز آمده است. ذیل برخی آیات احکام مانند آیه ۱۸۷ سوره بقره آمده است: «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لِيُتَّبِعُوا آيَاتِهِ» که اشاره به احکامی است که در آیات آمده است.

واژه «آیه» به معنای معجزه در قرآن کریم، سه کاربرد دارد. این سه کاربرد با سه اصطلاح متکلمان در بحث معجزه منطبق است:

۱. کار خارق العاده‌ای که به اتکای قدرت خداوند انجام می‌گیرد [یعنی برای اثبات نبوت عامه یا خاصه نیست]، نظیر داستان عزیر نبی که تعبیر آیه چنین است: «وَكُنَّا جَعَلْنَا آيَةً لِلنَّاسِ»<sup>۵</sup>؛
۲. کار خارق العاده‌ای که به اتکای قدرت خدا و برای اثبات مقامی الهی (نبوت یا امامت) انجام می‌گیرد. قرآن مجید درباره نشانه الهی طالوت برای حکومتش می‌فرماید: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ»<sup>۶</sup>؛
۳. کار خارق العاده‌ای که پیامبر برای اثبات نبوت خود انجام می‌دهد. در مبحث راه‌شناسی، معجزه در این معنا مراد است.

همانطور که در بیان کاربرد معجزه در قرآن آمد غیر از واژه آیه، سه واژه بینه، برهان و سلطان نیز برای معجزه در قرآن کریم به کار رفته است و آیت‌الله مصباح در کتاب خود این سه واژه را نیز بررسی کرده است.<sup>۷</sup> جالب است که «بینه» در جمع آن؛ یعنی «بینات» در یکی از آیات مورد بحث یعنی آیه ۱۰۱ سوره اسراء پس از آیات آمده است و واژه «برهان» نیز در آیه: «فَدَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ»<sup>۸</sup>

۱. اعراف / ۷۲.

۲. یونس / ۹۲.

۳. اسراء / ۱۲.

۴. شعراء / ۱۲۸.

۵. بقره / ۲۵۹.

۶. بقره / ۲۴۸.

۷. مصباح یزدی، راه و راهنماشناسی، ص ۱۷۲ - ۱۷۶.

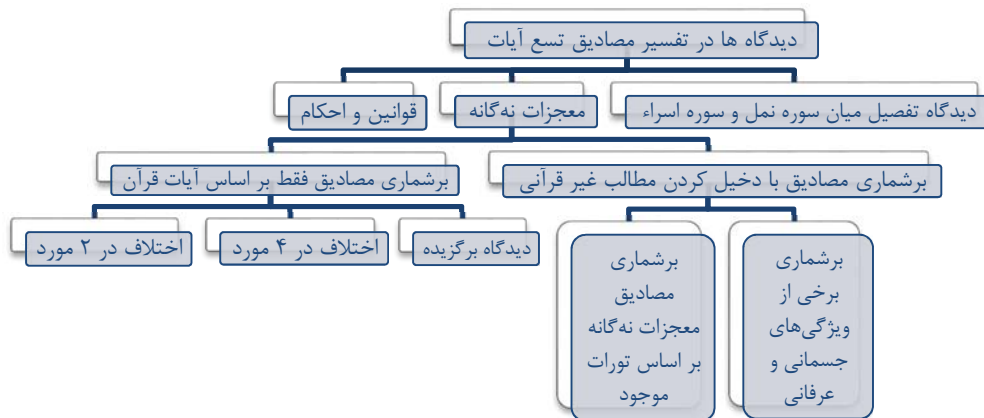
۸. قصص / ۳۲.

اشاره به دو معجزه ید بیضا و عصای حضرت موسی علیه السلام دارد. درباره واژه «سلطان» نیز در چندین آیه بیان شده است که به موسی علیه السلام «سلطان مبین» عطا شده است.<sup>۱</sup> بنابراین مراد از آیات در این دو آیه، معجزات حضرت موسی علیه السلام است.

از کاربردهای قرآنی آیه که به آنها اشاره شد، درباره تعبیر «آیات» در «تسع آیات»، فقط معنای معجزه یا احکام و قوانین محتمل است. با توجه به بیان کتاب مقدس،<sup>۲</sup> موسی و یارانش پس از عبور از دریا و غرق شدن فرعونیان، مدتی در منطقه سینا اقامت گزیدند و الواح و شریعت را دریافت کردند. آیات قرآن نیز بیان می‌کنند که دریافت الواح پس از عبور از دریا بوده است؛<sup>۳</sup> بنابراین با توجه به اینکه در دو آیه مورد بحث، مقابله با فرعون مطرح است، امکان ندارد که مصادیق تسع آیات، قوانین و احکام باشد. معجزات و آیات دوران مواجهه با فرعون، همه از یک سنخ نیستند؛ برخی مانند عصا و ید بیضا برای اثبات رسالت حضرت موسی علیه السلام است، ولی سایر موارد مانند: قحطی و کمبود میوه‌ها و ارسال طوفان و امثال آن از سنخ امور خارق‌العاده‌ای است که معجزه تلقی می‌شوند که بیان آن گذشت ولی برای اثبات رسالت نیست؛ بلکه برای مبارزه با فرعون و نجات بنی‌اسرائیل است.

### دیدگاه مفسران درباره مصادیق «تسع آیات»

با توجه به مطالب بیان شده در مقدمه، سیر بحث به صورت تقسیم‌بندی ذیل پیش خواهد رفت.



۱. نساء / ۱۵۳؛ هود / ۹۶؛ مؤمنون / ۴۵؛ غافر / ۲۳؛ ذاریات / ۳۸.

۲. سفر خروج، باب ۱۹ و ۲۰.

۳. اعراف / ۱۴۵ - ۱۳۸.

## ۱. قوانین و احکام، مصادیق آیات نه‌گانه

فخر رازی بهترین دیدگاه را این روایت می‌داند که دو یهودی از رسول خدا ﷺ نه معجزه سؤال کردند و رسول خدا ﷺ در پاسخ فرمود: «نشانه‌های نه‌گانه حضرت موسی ﷺ عبارت بود از: به خدا شرک نورزید، اسراف نکنید، زنا نکنید، قتل انجام ندهید، جادو نکنید، ربا نخورید، به زنان پاکدامن تهمت نزنید، از جنگ فرار نکنید و حکم خاص برای شما یهودیان اینکه از احکام روز شنبه تعدی نکنید»<sup>۱</sup>. همین استدلال و بیان دیدگاه برتر در تفسیری دیگر نیز آمده است.<sup>۲</sup>

بررسی: با توجه به مفهوم‌شناسی واژه «آیات» پذیرش اینکه مصادیق «تسع آیات» قوانین و احکام باشد، غیرمحتمل است. بر این پایه است که بیشتر مفسران به این دیدگاه اعتنایی نداشته‌اند. افزون بر این در تقریر دیدگاه برگزیده بیان خواهد شد که آیات قرآن این نه معجزه را معجزاتی معرفی می‌کنند که در مواجهه با فرعونیان است و احکام و قوانین مذکور ارتباطی به این امر ندارند. آیت‌الله مصباح یزدی نیز بر این امر تأکید کرده است که قرآن کریم بر معجزه پیامبران، از آن جهت که نشانه ارتباط وحیانی آنان با خداست، «آیه» اطلاق می‌کند. واژه «آیه» برای فهماندن این معنا از واژه «معجزه» رساتر است؛ زیرا معجزه فقط بر ناتوان ساختن دلالت دارد، اما واژه آیه بر این نکته نیز دلالت دارد که آن کار خارق‌العاده نشانه‌ای الهی بر رسالت پیامبر است. قرآن کریم درباره معجزات حضرت موسی ﷺ می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ...»<sup>۳</sup>؛ سیاق آیات دلالت دارد که منظور از آن نه نشانه، معجزات نبوی حضرت موسی ﷺ است؛ زیرا در این آیات، سخن از ارسال حضرت موسی ﷺ به سوی فرعون برای دعوت او به توحید است.<sup>۴</sup>

## ۲. تفصیل دیدگاه میان سوره نمل و سوره اسراء

میبدی آیه «فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ» در سوره نمل را مرتبط با نه معجزه می‌داند که تفصیل آن در سوره اعراف است و آن شکافته شدن دریا و قحطی و کمبود محصولات است،<sup>۵</sup> اما آیه: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» در سوره اسراء را همان قوانین و احکام می‌داند.<sup>۶</sup> جرجانی نیز در تفسیر خود ذیل آیه: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ» نه آیه را همان قوانین و احکامی می‌داند که در روایت

۱. رازی، *التفسیر الکبیر*، ج ۲۱، ص ۴۱۴.

۲. ابن‌عادل، *اللباب فی علوم الکتاب*، ج ۱۲، ص ۳۹۹ - ۳۹۸.

۳. اسراء / ۱۰۱.

۴. مصباح یزدی، *راه و راهنماشناسی*، ص ۱۷۴ - ۱۷۳.

۵. میبدی، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، ج ۱، ص ۲۷۶.

۶. همان، ج ۵، ص ۶۲۹ - ۶۲۸.



آمده است. در ادامه بیان می کند که ظاهر قرآن شاهد بر این امر است؛ از دو جهت: یکی آیه: «فَأَسْأَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ»<sup>۱</sup> است و اینکه موسی علیه السلام برای بنی اسرائیل طوفان و ملخ و شپش نیورد و برای آنان امر و نهی آورد. دوم آیه: «وَيَالْحَقُّ أَنْزَلْنَاهُ...»<sup>۲</sup> است که طبق این قاعده، قرآن که امر و نهی است و عذاب نیست این امر نیز امر و نهی است نه عذاب، اما در تفسیر آیه ۱۲ سوره نمل: «وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضًا مِنْ غَيْرِ سُوءٍ فِي تِسْعِ آيَاتٍ» بیان می کند که تفسیر آن مشکل است. احتمال دارد مراد از نه معجزه با ید و عصا باشد و احتمال دارد بدون آن دو باشد و احتمال دارد فقط بدون عصا باشد. دیدگاهها نیز مختلف است از ابن عباس، عکرمه، شعبی، مجاهد، کلبی و سعید بن جبیر نظرات مختلفی وارد شده است.<sup>۳</sup> خطیب شربینی نیز در تفسیر خود در سوره اسراء نه آیه را به قوانین و احکام تفسیر می کند،<sup>۴</sup> ولی در سوره نمل بیان می کند که «فی» را می توان به معنای «مع» یا به معنای «من» گرفت که بر اساس دیدگاه نخست، معجزات یازده عدد و بر اساس دیدگاه دوم نه عدد می شود.<sup>۵</sup>

بررسی: همه نقدهای ارائه شده درباره دیدگاه قبل، اینجا نیز وارد است. افزون بر این هیچ قرینه‌ای بر تفصیل وجود ندارد. استدلال جرجانی به آیات نیز صحیح نیست. اینکه آیه می فرماید: «فَسْأَلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ» به این معنا نیست که موسی علیه السلام این معجزات و بلاها را بر سر بنی اسرائیل آورده باشد؛ بلکه خطاب آیه به حضرت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و فاعل فعل «جاء» حضرت موسی علیه السلام است؛ بنابراین معنای آیه این است: «ای پیامبر از بنی اسرائیل داستان این بلاها را بپرس آنگاه که موسی نزد آنان آمد». حضرت موسی علیه السلام پیامبر آنان بود و طبیعی است که نزد آنان باید برود و آنان نیز از این داستان مطلع هستند؛ اما استناد به آیه «وَيَالْحَقُّ أَنْزَلْنَاهُ...» و بیان اینکه قرآن امر و نهی است پس این آیات نیز باید امر و نهی باشند، عجیب تر است؛ زیرا قرآن کریم با آیه ۱۰۴ سوره اسراء، داستان حضرت موسی علیه السلام را به پایان می برد و از آیه «وَيَالْحَقُّ أَنْزَلْنَاهُ...» به بعد، نکاتی درباره خود قرآن مجید مطرح می کند که هیچ ارتباطی به داستان حضرت موسی علیه السلام ندارد.

### ۳. معجزات نه گانه

بیشتر مفسران مصادیق «تسع آیات» را معجزات موسی علیه السلام می دانند که خود دو دسته هستند؛ یکی در

۱. اسراء / ۱۰۱.

۲. اسراء / ۱۰۵.

۳. جرجانی، *درج الدرر*، ج ۲، ص ۲۳۲ - ۲۳۱.

۴. خطیب شربینی، *السراج المنیر*، ج ۲، ص ۳۷۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۹۰ - ۸۹.

برشماری مصادیق، مطالب غیر قرآنی را وارد کرده‌اند. گروه دیگر در برشماری مصادیق فقط از آیات قرآن استفاده کرده‌اند. در ادامه این دیدگاه‌ها بررسی خواهد شد.

#### یک. برشماری مصادیق با دخیل کردن مطالب غیر قرآنی

گروهی از مفسران در شمارش مصادیق «تسع آیات» از مطالب غیر قرآنی نظیر ویژگی‌های جسمانی و عرفانی حضرت موسی علیه السلام یا از محتوای تورات بهره برده‌اند.

**الف) برشماری برخی از ویژگی‌های جسمانی و عرفانی حضرت موسی علیه السلام از مصادیق معجزات نه‌گانه**  
 بقلی ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء نه معجزه را این‌گونه شمرده است: ملیح بودن چشم حضرت موسی علیه السلام، زیبابودن صورت او، رفع گنگی زبان او، شرح صدر او، هیبت او از جانب خدا، انبساط او، عجیب بودن بدن او، استجابت دعای او در دعای «رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَيَّ أَمْوَالَهُمْ»<sup>۱</sup> و شریعت جامع او را نه مورد شمرده است و نیز: شکافته شدن دریا، دگرگون شدن عصا، ید بیضاء، مقام تجلی، شنیدن کلام، غلبه شوق بر او، من و سلوی، شکافته شدن سنگ و خروج آب از آن و سوزاندن طلا با کیمیا را به‌عنوان دیدگاه دوم برشمرده است. دیدگاه‌های دیگری نیز آورده است که مشابه دیدگاه‌های مفسران دیگر نیست.<sup>۲</sup>

**بررسی:** در مفهوم‌شناسی واژه «آیه» کاربردهای قرآنی آن بیان شد. شرح صدر، ملیح بودن چشم، مقام تجلی، غلبه شوق و سوزاندن طلا نمی‌تواند از کاربردهای آیه باشد. افزون بر این، بیان خواهد شد که طبق آیات قرآن نه معجزه، مرتبط به مواجهه با فرعون است و این موارد این‌گونه نیستند.

#### ب) برشماری مصادیق معجزات نه‌گانه بر اساس تورات موجود

بقاعی در شمردن مصادیق نه معجزه آن را مطابق تورات چنین می‌داند: عصا، خون، قورباغه، شپش، مرگ چارپایان، تگرگ، ملخ، تاریکی و مرگ نخست‌زادگان از حیوان و انسان. گویا ید بیضاء را با عصا یکی شمرده است؛ زیرا ید بیضاء ضروری بر فرعونیان نداشته است. نویسنده از مزامیر داوود در عهد عتیق، مزمور ۷۷ و ۱۰۴<sup>۳</sup> در تفسیر خود استفاده کرده است.<sup>۴</sup>

**بررسی:** در تورات موجود بلاهای بیان شده ۱۰ مورد است و ۹ مورد نیست.<sup>۵</sup> افزون بر این، با معجزاتی که در قرآن کریم ذکر شده است، سازگاری ندارد؛ به‌عنوان مثال دو مورد از بلاهای قوم

۱. یونس / ۸۸.

۲. بقلی، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، ج ۲، ص ۳۸۷.

۳. آنچه نویسنده به آن استناد کرده است در ترجمه فارسی عهد عتیق (ترجمه قدیم) مزمور ۷۸ و ۱۰۵ است.

۴. بقاعی، *نظم الدرر*، ج ۴، ص ۴۳۲.

۵. سفر خروج، باب ۷ - ۱۱.

موسی علیه السلام در تورات، تاریکی و مرگ نخست زادگان بیان شده است که در قرآن کریم نیامده است. اختلاف دیگر این است که تورات از این موارد با عنوان «بلا» یاد کرده، حال آنکه قرآن مجید از این موارد با عنوان «آیات» یاد نموده است. نکته دیگر اینکه برشماری مصادیق نه‌گانه با آیات قرآن امکان دارد؛ با این حال کمک گرفتن از تورات موجود معنایی ندارد.

دو. برشماری مصادیق فقط بر اساس آیات قرآن کریم

الف) معجزات نه‌گانه و اختلاف مفسران در چهار مورد از آنها

بیان شد که برخی با توجه به آیه ۱۳۳ سوره اعراف پنج معجزه مذکور در آن را جزو نه معجزه تلقی کرده و اختلاف را در معرفی چهار معجزه می‌برند که یکی از آنان زمخشری است که آن چهار معجزه را شکافته شدن دریا، طمس اموال فرعونیان، قحطی و کم شدن محصولات فرعونیان معرفی می‌کند.<sup>۱</sup> ابن عطیه نیز در تفسیر آیه ۱۰۱ سوره اسراء بیان کرده است که اختلاف در چهار معجزه است که به ترتیب دیدگاه‌های مختلف را بیان کرده است. ابن عباس آنها را ید بیضاء، بازشدن گره از زبان موسی، عصا و شکافته شدن دریا می‌داند. محمد بن کعب آنها را شکافته شدن دریا، عصا، طمس اموال و سنگ شدن اموال فرعونیان معرفی می‌کند. ضحاک آنها را افکندن عصا دوبار، ید بیضاء، بازشدن گره از زبان موسی، می‌داند. عکرمة، مطر وراق و شعبی این چهار معجزه را عصا، ید بیضاء، قحطی و کم شدن محصولات کشاورزی معرفی می‌کنند. حسن در این موارد عصا را دو معجزه؛ یعنی تبدیل شدن به اژدها و دیگری بلعیدن سحر ساحران می‌داند [بنابراین دو مورد اخیر را باید یک معجزه حساب کرده باشد]. از ابن عباس نقل می‌کند که آن چهار معجزه عبارتند از: قحطی، کم شدن محصولات کشاورزی، ید بیضاء و عصا. مطرف از مالک روایت کرده است که آنها عصا، ید بیضاء، برآمدن کوه بر سر بنی اسرائیل و شکافته شدن دریا است. از ابن وهب همین دیدگاه روایت شده است با این تفاوت که به جای شکافته شدن دریا، سنگ شدن اموال فرعونیان ذکر شده است.<sup>۲</sup> ماتریدی نیز اختلاف را در چهار معجزه دانسته است.<sup>۳</sup> البته ثعالبی بیان کرده است که در متفق بودن مفسران در پنج معجزه مذکور در سوره اعراف تردید وجود دارد و دلیل آن را روایت صفوان دانسته است که مراد از نه معجزه احکام و قوانین است.<sup>۴</sup>

بررسی: مفسرانی که این دیدگاه را داشتند هیچ دلیلی بر اتخاذ چنین دیدگاهی ارائه نکرده‌اند و نیز

۱. زمخشری، *الکشاف*، ج ۳، ص ۳۵۱.

۲. ابن عطیه، *المحرر الوجیز*، ج ۳، ص ۴۸۸.

۳. ماتریدی، *تأویلات أهل السنة*، ج ۷، ص ۱۲۱.

۴. ثعالبی، *الجواهر الحسان*، ج ۳، ص ۵۰۰.

معیار روشنی بر انتخاب چهار معجزه نداشتند. از آنجاکه در دیدگاه برگزیده مصادیق آیات مورد بحث روشن خواهد شد، اگر این مفسران چهار معجزه را عصا، ید بیضاء، قحطی و شکافته شدن دریا می‌شمردند با دیدگاه برگزیده تفاوتی نداشت ولی هیچ‌کدام چنین دیدگاهی را مطرح نکرده‌اند.

#### ب) معجزات نه‌گانه و اختلاف مفسران در دو مورد از آنها

بیشتر مفسران عصا و ید بیضاء را نیز با پنج معجزه مذکور در معجزات نه‌گانه به حساب می‌آورند و به معرفی دو مصداق باقیمانده مبادرت می‌ورزند که در این زمینه نیز اختلاف وجود دارد. ابن‌جوزی بیان می‌کند که جمهور مفسران در هفت مورد از آنها اتفاق نظر دارند و اختلاف در دو مورد دیگر را در هشت دیدگاه بیان کرده است:

۱. روایت عوفی از ابن‌عباس: گشوده شدن گره از زبان موسی علیه السلام و دریا؛
  ۲. روایت ضحاک از ابن‌عباس: شکافته شدن دریا و بالا بردن کوه بالای سر بنی‌اسرائیل؛
  ۳. روایت عکرمه از ابن‌عباس: قحطی و کمبود محصولات؛
  ۴. دیدگاه حسن و وهب: شکافته شدن دریا و مرگی که بر فرعونیان فرستاده شد؛
  ۵. دیدگاه سعید بن جبیر: سنگ شدن اموال فرعونیان و شکافته شدن دریا؛
  ۶. دیدگاه ضحاک: گشوده شدن گره از زبان موسی علیه السلام و دوبار افکندن عصا نزد فرعون؛
  ۷. دیدگاه محمد بن کعب: شکافته شدن دریا و قحطی؛
  ۸. نقل محمد بن اسحاق از محمد بن کعب: در هفت مورد نخست به جای ید بیضاء، شکافته شدن دریا قرار داده و طمس و سنگ شدن اموال فرعونیان را اضافه کرده است.<sup>۱</sup>
- البته در ادامه و در برشماری دیدگاه مفسران، دیدگاه‌هایی وجود دارد که جزو این هشت دیدگاه نیست.

#### ۱. گشوده شدن عقده از زبان موسی علیه السلام و شکافته شدن دریا

ابن‌ادریس از ابن‌عباس و ضحاک گشوده شدن عقده از زبان موسی علیه السلام و شکافته شدن دریا را نقل کرده است.<sup>۲</sup> درحالی‌که ابن‌جوزی آن را از طریق عوفی به ابن‌عباس نسبت داده بود.

#### ۲. شکافته شدن دریا و برآوردن کوه بر سر آنان

از میان مفسران، ابوالفتوح رازی تنها کسی است که روایت ضحاک از ابن‌عباس را در تفسیر آیه ۱۲ سوره نمل برگزیده است.<sup>۳</sup> ولی در سوره اسراء فقط به بیان اختلاف دیدگاه بسنده کرده است.

۱. ابن‌جوزی، *زاد المسیر*، ج ۳، ص ۷۴ - ۵۷.

۲. ابن‌ادریس، *المنتخب من تفسیر القرآن*، ج ۲، ص ۷۲.

۳. رازی، *روض الجنان و روح الجنان*، ج ۱۵، ص ۱۲ - ۱۱.

### ۳. قحطی و کمبود محصولات

ابن کثیر ضمن بیان دیدگاه‌های مختلف، روایت عکرمة از ابن عباس را دیدگاهی ظاهر، روشن، نیکو و قوی دانسته است. معجزات دیگر مانند: من و سلوی و امثال آن را خارج دانسته است؛ زیرا آیه بیان می‌کند که این نه معجزه مرتبط به فرعون و قوم اوست. در ادامه روایت صفوان در تفسیر آیه را رد می‌کند و بیان می‌کند که احتمالاً با ده فرمان اشتباه شده است و این هیچ ارتباطی با مقابله با فرعون ندارد.<sup>۱</sup> علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء، قحطی و کمبود محصولات را ذکر کرده است. معجزات دیگر نظیر شکافته شدن دریا، سنگ شدن اموال فرعونیان و زنده کردن مرده با زدن بخشی از گاو و زنده کردن مردگان صاعقه زده و کندن کوه و بالا بردن بر سر آنان را خارج از این نه معجزه دانسته است.<sup>۲</sup> در سوره نمل بیان کرده است که در سوره اسراء برشماری مصادیق نه معجزه گذشته است.<sup>۳</sup> آیت‌الله جوادی آملی نیز ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء به این مطلب پرداخته است و همان دیدگاه استادش علامه طباطبایی را مطرح کرده است.<sup>۴</sup> *دایرة المعارف قرآن کریم* نیز با بیان اینکه منظور از این معجزات تنها معجزاتی است که در برابر فرعون آورده شده است، همین دیدگاه را انتخاب کرده است.<sup>۵</sup> یحیی بن سلام تیمی در تفسیر خود از حسن بن دینار از یزید الرقاشی نقل می‌کند که از آیه ۱۳۰ سوره اعراف، قحطی و کمبود محصولات کشاورزی را استفاده کرده است و در ادامه بیان می‌کند که معنی از ابو یحیی از مجاهد همین مطلب را نقل کرده است.<sup>۶</sup> سمرقندی نیز همین قول را برگزیده است.<sup>۷</sup> سیوطی ذیل آیه ۱۲ سوره نمل از ابن عباس همین دیدگاه را نقل می‌کند.<sup>۸</sup> قرشی نیز با استناد به آیه ۱۳۰ سوره اعراف همین دیدگاه را برگزیده است.<sup>۹</sup> طیب نیز همین دیدگاه را انتخاب کرده است.<sup>۱۰</sup> آیت‌الله مکارم شیرازی نیز پس از بحثی مفصل همین دیدگاه را برگزیده است.<sup>۱۱</sup>

۱. ابن کثیر، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۵، ص ۱۱۵ - ۱۱۴.

۲. طباطبائی، *المیزان*، ج ۱۳، ص ۲۱۸.

۳. همان، ج ۱۵، ص ۳۴۶ - ۳۴۵.

۴. جوادی آملی، *تسنیم*، ج ۵۰، ص ۵۱۵.

۵. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *دایرة المعارف قرآن کریم*، ج ۴، ص ۲۴.

۶. تیمی، *تفسیر یحیی بن سلام*، ج ۱، ص ۱۶۵.

۷. سمرقندی، *بحر العلوم*، ج ۲، ص ۳۳۱.

۸. سیوطی، *الدر المشور*، ج ۵، ص ۱۰۳ - ۱۰۲.

۹. قرشی بنابی، *تفسیر احسن الحدیث*، ج ۷، ص ۴۳۷ - ۴۳۶.

۱۰. طیب، *اطیب البیان*، ج ۹، ص ۶۸.

۱۱. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۲، ص ۳۱۲.

#### ۴. سنگ شدن اموال فرعونیان و شکافته شدن دریا

علی بن ابراهیم قمی و محمد بن مسعود عیاشی سنگ شدن اموال فرعونیان و شکافته شدن دریا را ذکر کرده‌اند.<sup>۱</sup> اگر سنگ شدن اموال فرعونیان را با طمس اموال و قحطی و کمبود محصولات سه بیان از یک واقعه بدانیم، این دیدگاه همان دیدگاه برگزیده است که بحث آن خواهد آمد.

#### ۵. سنگ شدن اموال و طمس اموال فرعونیان

طبری در ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء دیدگاه ابن‌زید را اختیار کرده است که سنگ شدن اموال و طمس اموال فرعونیان است.<sup>۲</sup> ابن‌عطیه برخلاف سوره اسراء که در آنجا بیان می‌کند که اختلاف در چهار مورد است و فقط دیدگاه‌ها را ذکر کرده است، در تفسیر آیه ۱۲ سوره نمل این دیدگاه را برگزیده است.<sup>۳</sup>

#### ۶. قحطی و طمس اموال فرعونیان

برخی از مفسران، آن دو معجزه را قحطی و طمس اموال فرعونیان دانسته‌اند.<sup>۴</sup> صاحبان تفسیر **جلالین**، همین دیدگاه را دارد با این تفاوت که به جای قحطی، کمبود محصولات را ذکر کرده‌اند.<sup>۵</sup>

#### ۷. طمس اموال فرعونیان و شکافته شدن دریا

برخی از مفسران شکافته شدن دریا و طمس اموال فرعونیان را دو معجزه باقی مانده از معجزات نه‌گانه معرفی کرده است.<sup>۶</sup> بیان شد که اگر طمس اموال را با قحطی و کمبود محصولات یکی بدانیم این دیدگاه نیز همان دیدگاه برگزیده خواهد بود که در ادامه خواهد آمد.

#### ۸. شکافته شدن دریا و جوشیدن چشمه از صخره

در تفسیری نیز آن دو مورد اختلافی شکافته شدن دریا و جوشیدن چشمه‌های آب از صخره آنگاه که حضرت موسی علیه السلام با عصا به آن ضربه زد، بیان شده است.<sup>۷</sup>

۱. قمی، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۲۹؛ عیاشی، کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۳۱۸.

۲. طبری، جامع البیان، ج ۱۹، ص ۸۶.

۳. ابن‌عطیه، المحرر الوجیز، ج ۴، ص ۲۵۲.

۴. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۵۵۳؛ ج ۳، ص ۲۹۸؛ دینوری، الواضح، ج ۱، ص ۴۶۵؛ حائری

طهرانی، مقتنیات الدرر، ج ۸، ص ۸۲.

۵. محلی و سیوطی، تفسیر الجلالین، ص ۲۹۴.

۶. واحدی، الوجیز، ج ۲، ص ۶۴۹.

۷. مدرسی، من هدی القرآن، ج ۹، ص ۱۶۱.

## ۹. مار و شکافته شدن دریا

در تفسیری دیگر، افزون بر هفت مورد اتفاقی، «الحیة و فلق البحر» نیز ذکر شده است<sup>۱</sup> که با وجود ذکر کردن عصا در موارد مذکور، مشخص نیست مراد از مار چیست؟

### ۱۰. طمس اموال فرعونیان و یقین فرعون به معجزات

ماتریدی پس از ذکر دیدگاه‌های مختلف، بیان می‌کند که ما عصا را یک معجزه و قحطی و کم شدن محصولات کشاورزی را یک معجزه و طمس را هم یک معجزه به حساب می‌آوریم و با پنج معجزه مذکور در سوره اعراف مجموعاً هشت معجزه می‌شود. نهمین معجزه یقین فرعون به این معجزات است که از آیه «قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُ مَا أُنزِلَ هُوَ لَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرٌ»<sup>۲</sup> چنین برمی‌آید؛ زیرا فرمود: قطعاً می‌دانی که آنها نشانه‌ها هستند و فرعون نیز آن را تکذیب نکرد و آیه «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا»<sup>۳</sup> نیز از یقین فرعونیان خبر می‌دهد. البته نویسنده در پایان بیان می‌کند که اگر صحت روایتی که بیان می‌کند معجزات نه گانه، قوانین و احکام هستند ثابت شود دیگر جا برای تأویل دیگری باقی نمی‌ماند و خدا داناترین است.<sup>۴</sup>

بررسی: مفسرانی که این دیدگاه را داشتند هیچ دلیلی بر اتخاذ چنین دیدگاهی ارائه نکرده‌اند و نیز معیار و ملاک روشنی بر انتخاب دو معجزه نداشتند. با توجه به اینکه دیدگاه برگزیده نیز هفت مصداق را پذیرفته است و برای بیان دو مصداق تقریری دارد با بیان دیدگاه برگزیده این دیدگاه‌ها نیز بررسی خواهند شد.

### سه. دیدگاه برگزیده

مهم‌ترین مطلب در رسیدن به دیدگاه برگزیده ارائه ملاکی است که این معجزات و آیات نه گانه را کنار هم جمع می‌کند. برخی از مفسران ملاک را مبارزه و مواجهه با فرعون در نظر گرفته‌اند. علامه طباطبایی بیان می‌کند که طبق آیات قرآن کریم، معجزات حضرت موسی علیه السلام بیش از نه تاست؛ اما مراد در این بیان، معجزاتی است که موسی برای فرعونیان آورد. این نه معجزه، همان معجزاتی است که در طول آیات ۱۰۳ تا ۱۳۳ سوره اعراف بیان شده است.<sup>۵</sup> آیت‌الله مکارم شیرازی نیز به ملاک مورد نظر اشاره کرده است.

۱. سعدی، تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان، ص ۵۴۴.

۲. اسراء / ۱۰۲.

۳. نمل / ۱۴.

۴. ماتریدی، تأویلات أهل السنة، ج ۷، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

۵. طباطبایی، المیزان، ج ۱۳، ص ۲۱۸.

تعبیراتی که در این آیات به کار رفته نشان می‌دهد که منظور معجزاتی است که در ارتباط با فرعونیان صورت گرفته، نه آنها که در ارتباط با خود بنی‌اسرائیل است، مانند: نزول من و سلوی و خارج شدن چشمه از سنگ و امثال آن. آیت‌الله مکارم شیرازی بیان می‌کند که بدون شک غرق فرعونیان و مانند آن نمی‌تواند از این آیات باشد؛ چرا که هدف، بیان آیاتی است که برای هدایت فرعونیان آمده، نه آنها که مایه نابودی‌شان شد. دقت در آیات سوره اعراف که بسیاری از این آیات در آن آمده است، نشان می‌دهد که منظور از دو آیه دیگر «خشکسالی» و «کمبود انواع میوه‌ها» بوده است،<sup>۱</sup> گرچه ممکن است بعضی تصور کنند خشکسالی جدا از کمبود میوه‌ها نیست و به این ترتیب در مجموع یک نشانه محسوب می‌شوند، اما همان‌گونه که در تفسیر آیه ۱۳۰ سوره اعراف گفتیم خشکسالی‌های موقت و محدود ممکن است در درختان کمتر اثر بگذارد، اما هنگامی که طولانی گردد باعث نابودی درختان نیز خواهد شد، بنابراین خشکسالی به تنهایی همیشه سبب نابودی میوه‌ها نیست. از این گذشته ممکن است از میان رفتن میوه‌ها به‌خاطر آفات دیگری غیر از خشکسالی بوده باشد.<sup>۲</sup> اما در بیان دیدگاه برگزیده روشن خواهد شد که این ملاک درست است ولی شکافته شدن دریا نیز جزو این معجزات است و همین ملاک آن را در بر می‌گیرد.

برخی از مفسران به درستی شکافته شدن دریا را نیز جزو معجزات نه‌گانه آورده و قحطی و کمبود محصولات را یک معجزه حساب کرده‌اند.<sup>۳</sup> ابن‌عاشور بیان می‌کند که این نه معجزه را فیروزآبادی در *بیتی در کتاب قاموس خود ذیل ماده «تسع» جمع کرده است:*

عصا سنة بحر جراد و قمل ید و دم بعد الضفادع طوفان<sup>۴</sup>

عجیب این است که این نویسنده در ذیل آیه ۱۰۱ سوره اسراء در برشماری مصادیق معجزات نه‌گانه استناد به شعر فیروزآبادی کرده ولی به جای شکافته شدن دریا، رجز به‌معنای دمل را ذکر کرده است و شکافته شدن دریا را ذکر نکرده است.<sup>۵</sup> استاد قرائتی نیز در تفسیر خود بیان کرده است که مراد از معجزات نه‌گانه، معجزاتی است که موسی علیه‌السلام در برابر فرعون آورده و گرنه حضرت موسی علیه‌السلام معجزات بیشتری داشته است و شکافته شدن دریا را جزو معجزات بیان کرده است.<sup>۶</sup> ابوزهره مفسر دیگری است

۱. اعراف / ۱۳۰.

۲. مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، ج ۱۲، ص ۳۱۲ - ۳۱۱.

۳. ابن‌عاشور، *التحریر و التنویر*، ج ۱۶، ص ۱۳۶.

۴. همان، ج ۱۹، ص ۲۳۱ - ۲۳۰.

۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۷۶.

۶. قرائتی، *تفسیر نور*، ج ۶، ص ۳۹۷ - ۳۹۶.



که در تفسیر آیه ۱۰۱ سوره اسراء بیان کرده است که مراد معجزات روشن دلالت‌کننده بر رسالت موسی علیه السلام به سوی فرعون و بنی‌اسرائیل است و بیان کرده است که هشتمین معجزه قحطی شدید که باعث کمبود محصولات شد و نهمین معجزه شکافته شدن دریا و گشودن راه برای بنی‌اسرائیل است. معجزه اخیر برای این بود که فرعونیان از آن عبرت بگیرند ولی فریب خورده و در پی بنی‌اسرائیل رفتند و غرق شدند. موسی علیه السلام با این معجزات به مبارزه با فرعون رفت.<sup>۱</sup> اینکه مفسرانی که یاد شدند با وجود اینکه ملاک درستی در نظر گرفته بودند ولی در برشماری معجزات نه‌گانه اختلاف داشتند، نشان می‌دهد این ملاک باید دقیق‌تر بررسی شود که در ادامه با نگاهی مجموعی به آیات قرآن کریم و تحلیل آنها و بیان رسالت حضرت موسی علیه السلام برای دیدگاه برگزیده تقریر قوی‌تری ارائه خواهد شد.

پیش از ورود به تقریر ملاک دیدگاه برگزیده بیان این نکته لازم است که آنچه **تفسیر نمونه** آورده است که «خشکسالی به تنهایی همیشه سبب نابودی میوه‌ها نیست» در این مورد صحیح نیست؛ زیرا قحطی‌ای که منجر به کمبود محصولات نشود، نمی‌تواند بلایی باشد که خداوند بر سر فرعونیان آورده است. بنابراین قحطی مورد نظر در آیه ۱۳۰ سوره اعراف با کمبود محصولات عطف تفسیری شده است که کسی تصور نکند که قحطی، شدید نبوده است. آلوسی نیز در تفسیر خود بیان کرده است که در **التقریب** آمده است که طمس اموال و قحطی و کمبود محصولات به یک چیز بازمی‌گردد.<sup>۲</sup> با این نکته کسانی که طمس اموال را جزو معجزات شمرده‌اند نیز نقد می‌شوند؛ یعنی قحطی و کمبود محصولات همان طمس اموال است و همگی به یک بلا بازمی‌گردند. افزون بر این در ادامه بیان خواهد شد که شکافته شدن دریا نیز جزو مصادیق است و ملاک مورد نظر شامل آن نیز می‌شود. بنابراین باید قحطی و کمبود محصولات را یک معجزه در نظر بگیریم.

#### الف) رسالت حضرت موسی علیه السلام نجات بنی‌اسرائیل از چنگ فرعون

رسالت حضرت موسی علیه السلام این بود که بنی‌اسرائیل را به سرزمین مقدس بازگرداند. این رسالت به صراحت در قرآن مجید بیان شده است. در آیات «... فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»<sup>۳</sup> و «... فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»<sup>۴</sup> و «أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ»<sup>۵</sup> یکی از مهم‌ترین اهداف موسی علیه السلام نجات بنی‌اسرائیل و بردن آنان به

۱. ابوزهره، *زهرة التفاسیر*، ج ۸، ص ۴۴۶۹ - ۴۴۶۸.

۲. آلوسی، *روح المعانی*، ج ۱۰، ص ۱۶۳.

۳. اعراف / ۱۰۵.

۴. طه / ۴۷.

۵. شعراء / ۱۷.

سرزمین مقدس معرفی می‌شود. دقت در آیات نشان می‌دهد که این رسالت بلافاصله پس از برخورد با فرعون و بیان اینکه من فرستاده خدا هستم، اولین سخن است که بیان می‌شود. فرعون نیز به خوبی این معنا را متوجه شد به این دلیل که پس از فرستادن بلاهای مذکور در سوره اعراف، در هر مورد فرعون می‌گفت: «لَيْسَ كَشَفْتَعْنَا الرَّجْزَ لِنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَكَثُرُ سَلْنًا مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ»<sup>۱</sup> یعنی اگر بلا را از ما برداری بنی‌اسرائیل را با تو می‌فرستیم.

تعبیر «الی فرعون» در ۱۳ آیه آمده است که نشان از این دارد که از مهم‌ترین رسالت‌های موسی علیه السلام مواجهه با فرعون بوده است. پنج مورد از آنها تعبیر «بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ»<sup>۲</sup> دارد. یک مورد هم تعبیر «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَتْهُ بِآيَاتِنَا»<sup>۳</sup> آمده است. یک آیه نیز تعبیر «إِلَىٰ فِرْعَوْنَ يَسُطُّنَ مِيقِينَ»<sup>۴</sup> دارد. یکی از این آیات نیز آیه مورد بحث ما است که تعبیر «فِي تِسْعِ آيَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ»<sup>۵</sup> آورده است. این آیات به صراحت بیان می‌کنند که حضرت موسی علیه السلام با آیات و معجزاتی به سوی فرعون رفته است تا رسالت خود؛ یعنی نجات بنی‌اسرائیل و بردن آنان به سرزمین مقدس را انجام دهد.

آسان‌ترین و کم‌هزینه‌ترین راه، همراه کردن فرعون بود. اگر فرعون، موسی علیه السلام را تصدیق می‌کرد به راحتی می‌توانست بنی‌اسرائیل را به سمت سرزمین مقدس بازگرداند. به همین دلیل موسی علیه السلام و برادرش نخست مأمور می‌شوند که فرعون را با گفتار نرم به همراهی دعوت کنند و برای رسیدن به این هدف با عصا و ید بیضاء به سمت او می‌روند. فرعون پس از شکست در داستان مبارزه ساحران با موسی علیه السلام تسلیم نمی‌شود. در این مقطع مبارزه وارد مرحله‌ای دیگر می‌شود و آن فرستادن عذاب‌های دنیوی شامل خشکسالی و کمبود محصول، طوفان، ملخ، شپش، وزغ و خون است. پس از نازل شدن هر کدام از این عذاب‌ها فرعون پیمان می‌بست که اگر این عذاب برداشته شود ما تو را تصدیق کرده و بنی‌اسرائیل را با تو خواهیم فرستاد.<sup>۶</sup> ولی در هر مورد که عذاب برداشته می‌شد، فرعونیان نقض پیمان می‌کردند<sup>۷</sup> تا اینکه مرحله سوم شروع و تنها یک راه باقی ماند و آن از بین بردن فرعونیان بود. به تعبیر قرآن کریم بعد از نقض عهد، ما از آنان انتقام گرفتیم: «فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»<sup>۸</sup> یا این تعبیر

۱. اعراف / ۱۳۴.

۲. اعراف / ۱۰۳؛ هود / ۹۷ - ۹۶؛ مؤمنون / ۴۶ - ۴۵؛ غافر / ۲۴ - ۲۳؛ زخرف / ۴۶.

۳. یونس / ۷۵.

۴. ذاریات / ۳۸.

۵. نمل / ۱۲.

۶. اعراف / ۱۳۴.

۷. اعراف / ۱۳۵.

۸. اعراف / ۱۳۶.

که هنگامی که خشم ما را برانگیختند از آنان انتقام گرفته و همگی آنان را غرق کردیم: «فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ»<sup>۱</sup> برای این کار موسی علیه السلام و یارانش توان جنگ با فرعونیان نداشتند، لذا موسی علیه السلام مأمور شد که بنی‌اسرائیل را به سمت دریا ببرد و وقتی فرعونیان از پشت سر به آنان رسیدند دریا شکافته شود و آنان نیز در تعقیب بنی‌اسرائیل وارد دریا شده و به دستور الهی در آن غرق شوند. با توجه به مطالبی که بیان شد و با توجه به تعابیر «ما غرق کردیم» روشن می‌شود که این نقشه الهی بوده و آخرین راه همین بوده است.<sup>۲</sup>

#### ب) محقق شدن نجات بنی‌اسرائیل با شکافته شدن دریا

آیات قرآن کریم بیان می‌کنند که رسالت حضرت موسی علیه السلام با عصا و ید بیضاء شروع شد. در سوره قصص پس از بیان معجزه عصا و ید بیضاء بیان می‌کند: «فَذَانِكَ بُرْهَانَانِ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ»<sup>۳</sup> در سوره طه نیز پس از بیان معجزه عصا و ید بیضاء می‌فرماید: «ادْهَبْ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ»<sup>۴</sup> که دلالت بر این دارد که رسالت حضرت موسی علیه السلام در مواجهه با فرعون با عصا و ید بیضاء شروع شده است. در آیاتی دیگر از قرآن کریم بیان می‌شود که این رسالت حضرت موسی علیه السلام با شکافته شدن دریا محقق شد و بنی‌اسرائیل نجات پیدا کردند و فرعونیان غرق شدند. این آیات بیشتر در قالب یادآوری نعمت و در آیه‌ای نیز با تعبیر یادآوری ایام الله بیان شده‌اند؛ این آیات عبارتند از:

«وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ ... \* وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ»<sup>۵</sup>  
«فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ ... \* وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ... \* وَإِذْ أَنْجَيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»<sup>۶</sup>  
«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ ... \* وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ ... \* وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ أَنْجَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ»<sup>۷</sup>  
«وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ ... \* فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ يَجُنُودُهُ فَعَشِيَهِمْ

۱. زخرف / ۵۵.

۲. نقوی، تاریخ یهودیت در روایات امامیه، ص ۱۰۶ - ۱۰۵.

۳. قصص / ۳۲.

۴. طه / ۲۴.

۵. بقره / ۵۰ - ۴۹.

۶. اعراف / ۱۴۱ - ۱۳۶.

۷. ابراهیم / ۶ - ۵.

مِنْ أَلِيمٍ مَا غَشِيَهُمْ \* ... \* يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُم مِّنْ عَدُوِّكُمْ؛<sup>۱</sup> «فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْيَحْرَ فَاثْقَلَ ... \* ... \* وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ \* ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ»<sup>۲</sup>

آیات فوق به صراحت بیان می‌کنند که نجات بنی‌اسرائیل از دست فرعونیان با شکافته شدن دریا و گذر بنی‌اسرائیل از آن و غرق شدن فرعونیان محقق شده است. بنابراین ما نمی‌توانیم شکافته شدن دریا و غرق شدن فرعونیان را جزو نه معجزه حضرت موسی علیه السلام به حساب نیاوریم.

### نتیجه

۱. با بررسی آیات قرآن مجید مشاهده می‌شود معجزات حضرت موسی علیه السلام بیش از نه معجزه است. اما در دو آیه از قرآن کریم تنها به نه معجزه از معجزات آن حضرت اشاره شده است. در مصادیق این نه معجزه اختلاف نظر وجود دارد که اختلاف دیدگاه مفسران بیان شد.
۲. برای تثبیت دیدگاه برگزیده بیان گردید که ملاک جامع این مصادیق باید ارائه شود. از آیات قرآن کریم روشن شد که ملاک آن، معجزاتی است که حضرت موسی علیه السلام با آنها برای نجات بنی‌اسرائیل درصدد مواجهه با فرعون برآمد.
۳. بیان شد که خدای متعال برای نجات بنی‌اسرائیل با اعطای ید بیضاء و عصا به موسی علیه السلام کار را شروع کرد و با غرق کردن فرعونیان این نجات محقق گردید.
۴. در اینکه عصا، ید بیضاء، طوفان، ملخ، شپش، وزغ و خون هفت معجزه مرتبط با مواجهه با فرعون است اختلافی نیست و از آیات قرآن کریم به روشنی قابل استفاده است و بیشتر مفسران نیز این را پذیرفته‌اند. اختلاف در دو معجزه باقی‌مانده است.
۵. برخی مفسران قحطی و کمبود محصول را دو معجزه تلقی کرده و مشکل را حل کرده‌اند اما با توجه به اینکه کمبود محصول لازمه قحطی است این دو، یک معجزه است و از طرفی بیان شد که به تصریح آیات قرآن کریم شکافته شدن دریا و غرق شدن فرعونیان نیز جزو این مصادیق است. بنابراین دیدگاه برگزیده این است که دو معجزه باقی‌مانده قحطی و شکافته شدن دریاست. بر این پایه مصادیق نه معجزه از این قرار است: عصا، ید بیضاء، قحطی، طوفان، ملخ، شپش، قورباغه، خون و شکافته شدن دریا.

۱. طه / ۸۰ - ۷۷.

۲. شعراء / ۶۶ - ۶۳.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

- آلوسی، محمود بن عبدالله، *روح المعانی*، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٥ ق.
- ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق اسعد محمد طیب، ریاض، مکتبة نزار مصطفى الباز، ج ٣، ١٤١٩ ق.
- ابن ادريس، محمد بن احمد، *المنتخب من تفسير القرآن و النکت المستخرجة من کتاب التبیان*، تحقیق مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ١٤٠٩ ق.
- ابن جزی، محمد بن احمد، *التسهيل لعلوم التنزیل*، بیروت، شركة دار الارقم، ١٤١٦ ق.
- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *زاد المسیر فی علم التفسیر*، تحقیق عبدالرزاق مهدی، بیروت، دار الكتاب العربی، ١٤٢٢ ق.
- ابن عادل، عمر بن علی، *اللباب فی علوم الكتاب*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٩ ق.
- ابن عاشور، محمد طاهر، *تفسیر التحریر و التنویر*، بیروت، مؤسسة التاريخ العربی، ١٤٢٠ ق.
- ابن عبدالسلام، عبدالعزيز بن عبدالسلام، *تفسیر العز بن عبدالسلام*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤٢٩ ق.
- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤٢٢ ق.
- ابن فارس، أحمد، *معجم مقاییس اللغة*، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ١٤٠٤ ق.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، *تفسیر القرآن العظیم*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ١٤١٩ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دار الصادر، ج ٣، ١٤١٤ ق.
- ابوالسعود، محمد بن محمد، *ارشاد العقل السلیم الی مزايا القرآن الکریم*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٩٨٣ م.
- ابوحیان، محمد بن یوسف، *البحر المحیط فی التفسیر*، تحقیق صدقی محمد جمیل، بیروت، دار الفکر، ١٤٢٠ ق.
- ابوزهره، محمد، *زهرة التفاسیر*، بیروت، دار الفکر، بی تا.
- بغوی، حسین بن مسعود، *تفسیر البغوی*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٠ ق.

- بقاعی، ابراهیم بن عمر، *نظم الدرر فی تناسب الآيات والسور*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ج ۳، ۱۴۲۷ ق.
- بقلی، روزبهان بن ابی نصر، *عرائس البیان فی حقائق القرآن*، تحقیق احمد فرید مزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۸ م.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام، قم، مدرسة الإمام المهدي علیه السلام، ۱۴۰۹ ق.
- التیمی، یحیی بن سلام، *تفسیر یحیی بن سلام التیمی البصری القیروانی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۵ ق.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ ق.
- ثعلبی، احمد بن محمد، *الکشف و البیان*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ ق.
- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمن، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، تصحیح محمد ادیب شکور، تحقیق طلعت صلاح فرحات، اردن - عمان، دار الفکر، ۱۴۳۰ ق.
- جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، *دایرةالمعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب قم، ج ۳، ۱۳۸۲ ش.
- جوادی آملی، عبدالله، *تفسیر تسنیم*، ج ۵۰، تحقیق روح الله رزقی و احمد جمالی، قم، اسراء، ۱۳۹۹.
- حائری طهرانی، علی، *مقتنیات الدور*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۳۳۸ ش.
- خازن، علی بن محمد، *لباب التأویل فی معانی التنزیل*، تصحیح عبدالسلام محمدعلی شاهین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۵ ق.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد، *السراج المنیر*، تحقیق ابراهیم شمس الدین، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۵ ق.
- دینوری، عبدالله بن محمد، *تفسیر ابن وهب المسمی الواضح فی تفسیر القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، تصحیح محمد مهدی ناصح و محمدجعفر یاحقی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ ق.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
- رسعی، عبدالرزاق بن رزق الله، *رموز الكنوز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق عبدالملک ابن دهیش،

مصادیق آیات نه گانه (تسع آیات) حضرت موسی علیه السلام از منظر مفسران □ ۱۰۵

مکه مکرمه، مکتبه الأسدی، ۱۴۲۹ ق.

- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل*، تصحيح مصطفى حسين احمد، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ ق.
- سعدی، عبدالرحمن، *تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان*، بيروت، مکتبه النهضة العربية، ج ۲، ۱۴۰۸ ق.
- سمرقندی، نصر بن محمد، *تفسير بحر العلوم*، تحقيق عمر عمروی، بيروت، دار الفكر، ۱۴۱۶ ق.
- سیواسی، احمد بن محمود، *عيون التفاسير*، بيروت، دار الصادر، ۱۴۲۷ ق.
- سیوطی، جلال الدين، *الدر المثور في التفسير بالمأثور*، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
- شوکانی، محمد، *فتح القدیر*، دمشق، دار ابن کثیر، ۱۴۱۴ ق.
- طباطبائی، سید محمد حسین، *الميزان في تفسير القرآن*، بيروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۰ ق.
- طبرانی، سلیمان بن احمد، *التفسير الكبير: تفسير القرآن العظيم*، اردن، دار الكتاب الثقافي، ۲۰۰۸ م.
- طبرسی، فضل بن حسن، *جوامع الجاه*، تصحيح ابوالقاسم گرجی، قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۴۱۲ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البيان لعلوم القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
- طبری، محمد بن جریر، *جامع البيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
- طریحی، فخرالدین، *مجمع البحرين*، تهران، مرتضوی، ج ۳، ۱۳۷۵ ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *التبيان في تفسير القرآن*، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- طیب، عبدالحسین، *اطيب البيان في تفسير القرآن*، تهران، اسلام، ۱۳۶۹ ش.
- عیاشی، محمد بن مسعود، *كتاب التفسير*، تهران، المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ ق.
- قرائتی، محسن، *تفسير نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، ۱۳۸۸ ش.
- قرشی بنابی، سید علی اکبر، *تفسير احسن الحديث*، تهران، بنیاد بعثت، ج ۲، ۱۳۷۵ ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، *الجامع لأحكام القرآن*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ ش.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا، *تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب*، تحقيق حسين درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
- قمی، علی بن ابراهیم، *تفسير القمی*، قم، دار الكتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کاشانی، فتح الله، *زبدة التفاسير*، قم، مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۲۳ ق.

- کاشانی، فتح‌الله، *منهج الصادقین فی الزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی اسلامیة، بی‌تا.
- *کتاب مقدس*، (ترجمه قدیم)، انتشارات ایلام.
- ماتریدی، محمد بن محمد، *تأویلات أهل السنة*، تحقیق مجدی باسلوم، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق.
- ماوردی، علی بن محمد، *النکت و العیون تفسیر الماوردی*، بیروت، دار الکتب العلمیة، بی‌تا.
- محلی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور، ۱۴۱۶ ق.
- مدرسی، سید محمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبی الحسین علیه السلام، ۱۴۱۹ ق.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *راه و راهنماشناسی*، تصحیح مصطفی کریمی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۹ ش.
- مقاتل بن سلیمان، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، تحقیق عبدالله محمود شحاته، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۲۳ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ ۱۰، ۱۳۷۱.
- مکی بن حموش، *الهدایة إلى بلوغ النهایة*، اشراف: شاهد بوشیخی، امارات - شارجه، جامعة الشارقة، کلیة الدراسات العلیا و البحث العلمی، ۱۴۲۹ ق.
- میدی، احمد بن محمد، *کشف الاسرار و عدة الابرار*، تهران، امیرکبیر، چ ۵، ۱۳۷۱ ش.
- نسفی، عبدالله بن احمد، *مدارک التنزیل و حقایق التاویل*، بیروت، دار النفاثس، ۱۴۱۶ ق.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد، *تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان*، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۶ ق.
- نقوی، حسین، *تاریخ یهودیت در روایات امامیه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۴۰۰.
- واحدی، علی بن احمد، *الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز*، تحقیق صفوان عدنان داوودی، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۵ ق.